

سُورَةُ الْأَحْقَافِ ٤٦

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران

حم

﴿١﴾

بر قسم آورده خلاقِ کریم با رموزی از حروفِ حا و میم
تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

﴿٢﴾

گشت نازل این کتابِ بس عظیم از خدای قادر و ربِّ حکیم
مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا
مُعْرِضُونَ

﴿٣﴾

ما نکردیم خلقِ سماوات و زمین و آنچه باشد بینشان نیز اجمعین
جز مگر برحق و حکمت بوده آن وقتِ خاصی هر کدام حسبِ زمان
آن کسان که مُعرضند و کافرند روی برتابند ز اندرزا و پند

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي
السَّمَاوَاتِ أَتُنَادُونَ بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

ای رسول! گو، که می‌بینید شما؟ آنچه را آید پرستش جز خدا
 پس نمایانید به من نیز همچنین آنچه را که آفریدند در زمین
 یا بکردند شرکت ایشان همچنان؟ بهر خلقت، آنچه هست در آسمان؟
 بر من آید آن کتاب را همچنین کآمده از سوی ایشان قبل از این
 یا که آثاری ز ایشان پا به جاست؟ گر که هستید صادق و در راه راست

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ

کیست گمراه‌تر ز آن که در جهان؟ او پرستد غیر ربّ مُستعان
 تا قیامت گر بخواند با خطاب حرف او هرگز نگردد مُستجاب
 آن خدایان بی‌خبر از هر دعا غافلند این قوم و رفته بر خطا

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ

تا به روز حشر که جمع مردمان گرد آیند سوی خلاق جهان
 مُشرکان با آن خدایان فساد در تضاد آیند از روی عناد
 گشته بیزار زان خطایا و گناه زان همه کفران ناحق بر اله

وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

تا تلاوت گردد آن آیاتمان روشن و اندر فصاحت بر بیان
 بهر آن کفار و جمع جاهلان این‌چنین آرند بر روی زبان

که همه حجت و آیات و نشان جملگی سحرست و جادویی عیان

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ^طقُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ^طهُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ ^طكَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ^طوَهُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ



همچنین گویند کفار این چنین	افترا بی می زنند از روی کین
کاین همه آیات و این گونه نشان	جملگی را خود ببافته از بیان
گو، رسولا! گر بگویم نابحق	بر عذاب او بگردم مستحق
هیچ کدام قادر نباشید بر حساب	تا رها سازید مرا از آن عقاب
اوست داناتر ز آنچه می کنید	زان همه افکار و پندار پلید
بینتان و بین من زین افترا	شاهد است آن ذات یکتای خدا
او بود بخشنده و باشد کریم	مهربان و بر همه مخلوق رحیم

قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرَىٰ مَا يَفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ ^طإِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ



گو، رسولا! من نباشم اولین	که بگوید بوده ام از مرسلین
هم ندانم بهر خود و بهرتان	تا چه پیش آید به ما فرجامان
نیستم تابع به هر امری و نهی	جز مگر آنچه مرا گردیده وحی
هم نیارم مطلبی اندر بیان	جز مگر بهر هدایت بوده آن
تا دهم هشدار به مخلوق آشکار	در قبال ذات پاک کردگار

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَمَأْنٍ وَاسْتَكْبَرْتُمْ ^طإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ



گو، چگونه بنگرید ای منکران؟! گر بود آیات ز خلاقِ جهان
همچنین آرد گواهی شاهی از بنی اسرائیل، آن سان عالمی
لیک تکبر آورید و بس لجاج از عناد و کفر اندر احتجاج
بر هدایت ذاتِ ربّ العالمین راه ننماید به قومِ ظالمین

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِنْكَ قَدِيمٌ

﴿۱۱﴾

این چنین گفتند آنکه کافران اهل ایمان را و جمعِ مؤمنان
گر که بود اسلام خیر و رهنما هیچ کسی سبقت نمی آورد ز ما
چون هدایت نیز ندیدند آن گروه زین همه آیاتِ حق از هر وجوه
بازگفتند از عناد کاین آیه ها هست ز گفتار قدیم و قصّه ها

وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِّلْمُحْسِنِينَ

﴿۱۲﴾

قبل از این هم آمد از موسی^۱ کتاب که همی بود او امامی مستطاب
بر کتابِ موسی و آیاتِ آن این کتاب گردید مصدّق بالعیان
با فصاحت آمده از سوی رب بر زبانِ تازی و لفظِ عرب
تا دهد هشدار به جمعِ ظالمین هم بشارت از برای محسنین

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

﴿۱۳﴾

آن کسانی که بگفتند در جهان ذاتِ یکتای خدا هست ربّمان
بر چنین حرفی بماندند پایدار استقامت کرده و بس استوار

لطف ایزد بهر ایشان گشته جُوف هم نبینند در دو دنیا حزن و خوف

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

﴿۱۴﴾

این گروه هستند اهل جنتان که بمانند اندر آنجا جاودان
کاین بود پاداش ذات لم یزل بهر اعمال و همه حُسنِ عمل

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا طَحَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا طوَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ
شَهْرًا طحَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي
أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي طإِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ
وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ

﴿۱۵﴾

توصیه کردیم که باشد نصب عین
مادر اندر بطن، باری بُرده است
در حدِ سی ماه، حمل و بذل شیر
تا رسد از کودکی او بر شباب
لازم است گوید به ربّ چاره‌ساز
زانچه کردی تو عطایم از نعم
کن موفق تو مرا ای کردگارا!
تا ز من راضی بگردی، ذوالمنن!
تا شوند صالح همه در روزگار
که شوم تسلیم تو روی یقین
همی کند نوزاد، رشد و گشته سیر
در کمال آید، چهل ساله حساب
بر من آموز نعمتِ شکر از نیاز
همچنین بر والدینم از کرم
که نمایم کارِ صالح بی‌شمار
هم عنایت کن تو بر اولادِ من
این دعا آرم به نزدت کردگارا!
هم بگردم من ز خیلِ مسلمین

أُولَئِكَ الَّذِينَ نَقَبَلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ
وَعَدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

﴿۱۶﴾

این گروهند که شود اعمالشان
عفو کنیم زانها بسی اعمال زشت
نزد ما مقبول به بهتر وجهی آن
جای گیرند در صف اهل بهشت
که نویدی بود بر آنها از نخست

وَالَّذِي قَالَ لَوْلَا دِيهِ أَفَّ لَكُمْ أَتَعْدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَّتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا
يَسْتَعِثَّانِ اللَّهَ وَيْلَكَ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

﴿۱۷﴾

آن که اف گوید ز روی ناسزا
طعنه وار پرسد که من بعد از هلاک
بر پدر هم مادرش از ناروا
زنده گردم باز از اعماق خاک؟
بس بمرند مردمانی بیشتر
والدین آرند دستی بر دعا
بر هدایت آور او که نارواست
با نصیحت نیز به او گویند چنین
وعده‌ی ذات خدا باشد درست
لیک آن نااهل بگویند این چنین
این سخن‌هایی که می‌آرید بیان

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ
كَانُوا خَاسِرِينَ

﴿۱۸﴾

این گروه باشند که قول ذوالجلال
همچنان کآمد سر پیشینیان
بهر ایشان حتمی می‌باشد عقاب
از گروه جن و انس نیز اجمعین
بهرشان یابد تحقق بالمآل
که رسیدند بر عذابی جاودان
وقت آن معلوم در روز حساب
این جماعت بوده‌اند از خاسرین

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُوقَّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

رتبه‌ایست از بهر هر کس آشکار حاصل اعمالشان در روزگار
بر جزای حق که نه بیش و نه کم بهر ایشان هیچ نمی‌گردد ستم

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا
فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ
تَفْسُقُونَ

یاد آر روزی که بر آتش روند کافرانِ خوار گردند بس نژند
این‌چنین گویند به آن قومِ پلید با خطابِ ایزدی و بس شدید
که شما بردید بهره در حیات از نعیم این جهان و طیبات
در ره شهوات و جمله مظلومه بر شما باشد حساب و واهمه
چون تکبرها نمودید در زمین کارتان فسق بود و ناحق اجمعین

﴿٥﴾ وَادْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتِ النَّذْرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا
تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

ای رسولا! باز نیز آور به یاد آن که می‌بود چون برادر بهر عاد
موعظه‌ها بهرشان بنمود هود که همه اندرزی بر آن قوم بود
قوم او بودند احقاف در سبق که بداد هشدار ایشان را ز حق
دعوت خود را نمود او برملا گفت پرستش برنورزید، جز خدا
بر عذابتان همی من داشته بیم در قیامت، یعنی آن یومِ عظیم

قَالُوا أَجِئْنَا لَتَأْفِكَنَا عَنِ الْهَتِنَا فَأَتَيْنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

پاسخی دادند از کین این چنان بازمان داری ز معبودهایمان؟
 ده نشان تو آنچه را وعده کنی از عذاب و خوف و از نالایمی
 کن تو تعجیل بر عذابهای گران گر که راستگو هستی و از صادقان

قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ

﴿۲۳﴾

آن رسول گفتا، ندانم وقت آن علم آن باشد به نزد ربّمان
 من فقط مأمورم و هم رهنما تا رسانم آن پیام را بر شما
 لیک می بینم همگی جاهلید در ره گمراهی و بس غافلید

فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُّسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُّمْطَرُنَا ۚ بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ ۖ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ

﴿۲۴﴾

تا که آمد وقت موعود و عذاب جملگی دیدند بیامد یک سحاب
 آمد ابری بس غلیظ از روی رود سوی ایشان برگرفته آنچه بود
 با شعف گفتند بارانی به پاست رحمت بی منتهایی بهر ماست
 گفت رسول، این ابر، باران بار نیست این عذابست، که شما پرسید
 چیست

آنچه را از جهل بنمودید طلب تا کند تعجیل عذابش ذات رب
 بلکه این باد است مأمور بر عذاب سخت، سنگین و آلیم بهر عقاب

تُدْمِرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ

﴿۲۵﴾

بادی حامل زان عذاب دردناک تا به امر حق کند جمله هلاک
 شب چو رفت و صبح آمد جلوه گر جز ز خانه ها نماند از کس اثر

پس بیافتند قوم جاهل آن سزا مجرمان را می‌دهیم این‌سان جزا

وَلَقَدْ مَكَنَّاهُمْ فِيمَا إِن مَّكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ
سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا
كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

﴿۲۶﴾

قوم عاد را بس تمکن داده ما که به آن مقدار ندادیم بر شما
گر چه دادیم بهر ایشان چشم و همچنین قلب و ضمیر عقل و هوش
گوش

بهرشان سودی نبخشید در عقاب هم نگردیدند رها از آن عذاب
چون که انکار می‌نمودند آیه‌ها آن نشان‌های خدا و نکته‌ها
پس گرفتشان عذاب و گشته مات زانچه کردند مسخره اندر حیات

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

﴿۲۷﴾

دور و اطراف شما بوده دیار شهرها و روستای بی‌شمار
بر هلاکت ما رساندیم جملگی گشته فانی و نماند پابندگی
این بود عبرت برای بندگان بلکه رو آرند بر رب جهان

فَلَوْلَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً ۖ بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ ۚ وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا
كَانُوا يَفْتَرُونَ

﴿۲۸﴾

پس چرا نصرت نبخشند هیچ‌گاه؟ آن خدایان که گرفتند، جز اله
که تقرّب‌ها بجستند سویشان عاقبت نابود بشد معبودشان
آن دروغ بود و گناهی بس گران افتراپی را که بافتند با زبان

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا ۖ فَلَمَّا قُضِيَ
 وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُّنْذِرِينَ

﴿۲۹﴾

یادی آور ای رسولِ رهنما! که ز جن، نزدت فرستادیم ما
 تا نمایند آن پریانِ استماع نزد تو تا که شدند حاضر، رسول!
 بازگفتند، گوش بیارید و قبول تا بگردید آن قرائت‌ها تمام
 هر کدام بر قوم خود بُردند کلام تا ز بیم و همچنین گفتارِ پند
 بر همه اقوامِ خود هشدار دهند
 قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ
 وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ

﴿۳۰﴾

این‌چنین بر قوم گفتند از کتاب بعدِ موسیٰ آن ز حق نازل شده
 می‌کند تصدیق از جزء و ز کل
 ما شنیدیم برخی زان آیاتِ ناب هادی بر حق، نفی بر باطل شده
 زان کتاب‌هایی که آمد از رُسل بر صراطِ مستقیم و راهِ راست
 سوی حق و بر هدایت رهگشاست

يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ

﴿۳۱﴾

قوم ما! پس جملگی آرید قبول آورد ایمان به راهِ کردگار
 دعوت حق را که فرماید رسول طاعت او را نماید آشکار
 تا گناهتان ببخشد آن کریم هم رهند از عذاب‌هایِ الیم

وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ ۗ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

هر که سرپیچید از داعی حق قهر یزدان را بگردد مستحق
در زمین از بهر او نبود پناه تا رهاند خویش از خشم اله
یاوری بر او نباشد در جهان بر ضلالت می‌روند ایشان عیان

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْزِبْ عَنْهُمْ بِخَلْقِهِمْ بَقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُخَيِّبَ
الْمُوتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

این ندانستند که خلاق جهان؟ آفریدست این زمین و آسمان؟
بر ستوه هرگز نیامد ذات رب نه فرو ماند و نه شد اندر تعب
قادرست او که ببخشايد حیات بعد مرگ و هم فنا اندر ممات
آگهست حق از همه چیز و خیر قادر و بر کلّ اشیاء او قدیر

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ ۖ قَالُوا بَلَىٰ ۖ وَرَبَّنَا ۖ قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ
بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

یاد آن روز آر، که کفار لئیم عرضه گردد بهرشان قعر جحیم
سوی ایشان از منادی هست خطاب نیست حقیقت وعده‌ی روز حساب؟
جملگی گویند، آری بوده راست وعده‌هایی که همه از رب ماست
پس بگوید که چشید این قهر حق آن عذابی را که هستید مستحق
آنچه را انکار کردید در جهان یک‌به‌یک گشته مهیا بهرتان

اصْبِرْ ۖ كَمَا صَبَرَ أُولَٰؤُا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ ۚ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ
يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ ۚ بَلَاغٌ ۚ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ

کن شکیبایی، رسول! اندر سُبُل
هم مکن تعجیل از بهر عِقاب
اندر آن روز آن جماعات و کسان
جمله گویند ای دریغا! که جهان
این بود ابلاغی از ربّ جهان
بر هلاکت کس رسد آیا چنین؟

چون اولوالعزمان از خیلِ رُسُل
تا مگر آنکه رسد وقتِ حساب
وعده‌های حق ببینند بالعیان
ساعتی کوتاه می‌بود از زمان
تا هدایت زان بیابند مردمان
جز مگر آن که بود از فاسقین؟